

کنگاشی بر رویکرد توانمند سازی جهت ساماندهی سکونتگاه‌های غیر رسمی (نمونه موردی: شهر تربت حیدریه)

مهدی زنگنه^۱، محمدجواد صفایی^۲، مریم سمیعی^۳

چکیده

سکونتگاه‌های غیررسمی یکی از مهمترین وجوه شهرنشینی ایران است؛ بطوریکه نه تنها در شهرهای بزرگ بلکه در شهرهای متوسط و کوچک نیز چنین پدیده‌ای وجود دارد. یکی از شهرهای درگیر کشور در این زمینه، شهر تربت حیدریه است؛ که نیازمند بکارگیری رویکردی جامع برای حل مسئله است. هدف این تحقیق ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی با رویکرد توانمند سازی در شهر تربت حیدریه است. این پژوهش از نوع توسعه‌ای-کاربردی می‌باشد و از نظر روش توصیفی-تحلیلی است. روش گردآوری اطلاعات به دو روش کتابخانه‌ای و پیمایشی(پرسشنامه) گردآوری شده است. و برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از آزمون همبستگی پیرسون، رگرسیون چند متغیره استفاده شده است. جامعه آماری چهار پهنه‌ی سکونتگاه‌های غیررسمی شهر تربت حیدریه از جمله مناطق رباط بالا، رباط پایین، کوی امام و حیدرآباد است و حجم نمونه به تعداد ۴۰۰ نفر به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شده‌اند. در این پژوهش هر کدام از شاخص‌های واگذاری اختیارات و مشارکت، شاخص امنیت و شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی به عنوان متغیر مستقل و شاخص توانمند سازی به عنوان متغیر وابسته مد نظر قرار گرفته شده است که از بین آنها بهبود شاخص اجتماعی و اقتصادی بیشترین تأثیر را در رویکرد توانمند سازی دارد. براساس مدل رگرسیون چند متغیره بهبود شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی بیشترین تأثیر و در اولویت‌های بعدی به ترتیب شاخص واگذاری اختیارات و مشارکت و شاخص امنیت در دستیابی به توانمند سازی سکونتگاه‌های غیررسمی موثر خواهند بود.

واژگان کلیدی: سکونتگاه‌های غیر رسمی، ساماندهی، توانمندسازی، تربت حیدریه

۱. استادیار، جغرافیا-برنامه ریزی شهری و روستایی دانشگاه حکیم سبزواری

۲. استادیار گروه برنامه‌ریزی شهری و روستایی، دانشگاه حکیم سبزواری

۳. دانش آموخته کارشناسی ارشد گروه برنامه‌ریزی شهری و روستایی، دانشگاه حکیم سبزواری

مقدمه

در خوشبختانه ترین برآوردها از جمعیت ۹۵۰ میلیون نفری حاشیه نشین در جهان (بیش از ۱۵ درصد جمعیت جهان) ۷ میلیون نفر آن در کشورمان زندگی می کنند که ۱۰ درصد از مساحت شهرها و ۳۰ درصد از جمعیت شهری کشور را به خود اختصاص داده است (سند توانمند سازی و ساماندهی سکونتگاه های غیر رسمی، ۱۳۸۲: ۴۶).

کشور ایران از جمله کشورهایی است که از پدیده حاشیه نشینی مصون نمانده و با آن مواجه است. در ایران پیش از آغاز دهه چهل شهرنشینی رشد کندی داشت و در آستانه این دهه حدود ۳۳ درصد از جمعیت کشور در شهرها زندگی می کردند. با اجرای اصلاحات ارضی در دهه (۱۳۴۰) و افزایش درآمدهای نفتی در دهه پنجاه رشد شهرنشینی شتاب بیشتری گرفت و این رشد چنان سرعت یافت که در سال ۱۳۸۵ جمعیت شهرنشین کشور به ۷۰ درصد رسید که حجم قابل توجهی از رشد تعداد شهرها و جمعیت شهری در ایران ناشی از مهاجرت های روستایی بود (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۸۷: ۲۱).

با گسترش شتابان شهرنشینی، شهر نیز چهره های فقر به خود گرفته است. فقر شهری با رشد سکونتگاه های نابسامان و فاقد امکانات زندگی، به خصوص در کشورهای در حال توسعه، پیوندی تنگاتنگ دارد. دولتها در ابتدا این نوع اسکان غیر رسمی را امری نامطلوب و تخلیه و تخریب راه حل مشکل می دانستند. از اواسط دهه ۱۹۵۰ م. تا اوایل دهه ۱۹۶۰ م برنامه های مکانیابی مجدد و ساخت مسکن عمومی رواج پیدا کردند. اما از آنجا که هر دو بسیار پرهزینه بودند کنار گذاشته شدند (Wegelin, 2004: 1).

رشد شتاب آلود شهرنشینی در ایران مشکلات زیادی را در شهرهای بزرگ بوجود آورده و یکی از مهمترین پیامد های آن رشد قارچ گونه سکونتگاه های غیر رسمی در متن و حاشیه ی چنین شهرهایی بوده است، که در اکثر شهرهای ایران متداول است. اسکان غیر رسمی به واقع یکی از بارزترین چهره های فقر شهری در بیشتر شهرهای مهاجر پذیر کشور ما می باشد که با عناوینی همچون حاشیه نشینی، سکونتگاه های خودرو، مسکن ناهنجار و اجتماعات آلونکی و مانند اینها نیز شناخته می شود. سکونتگاه هایی که در این نواحی از شهر استقرار یافته اند، از لحاظ کالبدی در حدی پایین تر از استانداردهای تعریف شده برای هر منطقه می باشند.

مردم ساکن در این نواحی نیز به علت ضعف های زیر ساختی و خدمات شهری با سطح نازلی از کیفیت، زندگی گذران می کنند. ساکنان این سکونتگاه ها از لحاظ فرهنگی: انزواطلب، احساس غریبگی و بیگانگی، از لحاظ روانی: پریشانی و تقدیر گرایی، از لحاظ اقتصادی: فقر، اشتغال در بخش غیر رسمی، بی ثباتی شغلی، از لحاظ بهداشتی: فقدان یا نارسایی سیستم خدمات بهداشتی و درمانی، آب شرب و از لحاظ اجتماعی: هویت قومی، پایبندی به سنت ها و ارزش ها، خانواده گسترده، فقدان تخصص، بی سواد و کم سواد، درآمد پایین و به خصوص فرهنگ مستقل حاشیه نشینی دارای چنین ویژگی هایی می باشند (ریاحی، ۱۳۸۴: ۴). برای ساماندهی این پدیده در کشورهای در حال توسعه نیاز به برنامه ریزی، فرهنگ سازی، تزریق پول و اصلاح زیر ساخت ها است که عموماً این کشورها با چالش عدیده ای در این ارتباط رو به رو هستند (سیف الدینی، ۱۳۸۳: ۱۵۳).

از این رو مسئله اسکان غیر رسمی دارای ابعاد وسیع و بعضاً پنهانی است که حل آن نیازمند برنامه ریزی های فرامنطقه ای یا ملی است. در کل می توان اذعان نمود که اسکان غیر رسمی خاص کشور ما نیست و تلاشهای مربوط به حل آن سابقه زیادی دارد. این تلاش ها را می توان بصورت یک پیوستار در نظر گرفت که در یک سوی آن نادیده گرفتن و تلاش برای نابودی این اجتماعات است و در سوی دیگر تلاش برای ارائه مسکن، امکانات و شرایط زندگی به آنان است.

اسکان غیر رسمی صرفاً مساله ای کالبدی فیزیکی نبوده و از عوامل کلان ساختاری در سطح ملی و منطقه ای ناشی می شود. رشد فزاینده جمعیت شهری از توان سازمان های دولتی و غیر دولتی جهت توسعه و ارائه خدمات و تسهیلات شهری برای این جمعیت فزاینده پیشی گرفته و برآورده نشدن نیاز مسکن و سر پناه اقشار کم درآمد در فضای رسمی و برنامه ریزی شده شهر، حاشیه نشینی و اسکان غیر رسمی را به گونه ای بی سابقه گسترش داده است. محرومیت و عدم برخورداری سکونتگاههای غیر رسمی از تسهیلات زندگی شهری در قیاس با دیگر نواحی شهری آنها را کانون مسائل بگرنج شهری و ضد توسعه پایدار انسانی نموده است (صرافی، ۱۳۸۳: ۶).

جای تردید نیست که در فرآیند جهانی سازی، کثیری از شهروندان به حاشیه رانده شده و از بسیاری از حمایت های اجتماعی نیز محروم می شوند. با این اوصاف، پرداختن به مسئله اسکان غیر رسمی نه تنها ضرورتی برآمده از ارزشهای اعتقادی و انسانی، بلکه سازگار با منافع اجتماعی و پایداری سکونتگاهها و توسعه ملی است. نباید فراموش کرد که فقر در هر جا تهدیدی برای کل است (صرافی، ۱۳۸۳: ۶).

بنابراین به دلیل افزایش جمعیت حاشیه نشین، اثرات نامطلوب کالبدی، اقتصادی و اجتماعی پدیده مذکور و ضرورت ساماندهی بافت های حاشیه برای ایجاد شهرهای سالم ضرورت می یابد.

شهر تربت حیدریه با وجود محلات: رباط بالا، رباط پایین، کوی امام و حیدرآباد جایگاه سوم حاشیه نشینی استان خراسان رضوی را به خود اختصاص داده است و یکی از مطلوبترین راهکارهای کاهش مشکلات حاشیه نشینی؛ توانمند سازی سکونتگاه های غیر رسمی است اما تا به حال بطور جدی پژوهشی در رابطه با سکونتگاه های شهر تربت حیدریه انجام نگرفته است و این امر ضرورت پرداختن به موضوع را آشکار می سازد. در پی چنین ضرورتی نوشتار حاضر بر آن است تا رویکرد توانمندسازی را جهت ساماندهی سکونتگاههای غیر رسمی تربت حیدریه مورد بررسی قرار دهد.

– فرضیات

به نظر می رسد واگذاری اختیارات و مشارکت شهروندان در سکونتگاه های غیر رسمی می تواند موجبات توانمند سازی آنها را فراهم کند.

به نظر می رسد بین امنیت سکونت و بکارگیری رویکرد توانمند سازی رابطه معناداری وجود دارد.

به نظر می رسد بین بهبود شاخص های اجتماعی و اقتصادی و بکارگیری رویکرد توانمند سازی رابطه معنا داری وجود دارد.

– کدام عوامل بیشترین تأثیر را در توانمندسازی سکونتگاه های غیر رسمی شهر تربت حیدریه خواهد داشت؟

– پیشینه تحقیق

ماجدی (۱۳۸۶)، در پژوهشی با عنوان "سکونتگاه های غیر رسمی شهری در کلان شهر اهواز" به این نتیجه رسیده است که مهمترین علت شکل گیری سکونتگاهها در شهر اهواز، مهاجرت شهر به شهر ناشی از شرایط جنگی منطقه و شرایط اقتصادی شهرهای استان بوده و مهمترین انگیزه مهاجرت، انگیزه اقتصادی است. در همین راستا، ارزانی مسکن و زمین و نزدیکی به بستگان از مهمترین دلایل اسکان در محل سکونت فعلی ذکر شده است.

زیاری و همکاران (۱۳۸۸)، در مقاله ای با عنوان "ساماندهی و توانمند سازی اسکان غیر رسمی شهر اهواز" در کوی منبع آب به بررسی علت شکل گیری سکونتگاه های غیررسمی در کوی منبع آب، پرداخته اند که در نتیجه صنعتی شدن شتابان شهر اهواز مهاجرت های بی رویه سو و مسائل و مشکلات اقتصادی و فقدان مدیریت واحد و هماهنگی در زمینه مسائل و مشکلات اقتصادی در حیطه مسائل مهاجرتی و اسکان اولیه مناسب آنها بوده است.

پور موسوی و همکاران (۱۳۸۹)، در مقاله‌ی خود با موضوع "ساماندهی و توانمند سازی محله‌های آسیب پذیر با تأکید بر نقش مدیریت شهری" به این نتیجه رسیده‌اند که بهترین وسیله برای راه‌اندازی فرآیند نوین توسعه در این اجتماعات، ساماندهی کالبدی آنها است که در جریان آن راهبرد توانمند سازی قابلیت پیاده سازی را دارد.

شریفی نیا و همکاران (۱۳۹۰)، در پژوهشی با عنوان "توانمند سازی و ساماندهی سکونتگاههای غیر رسمی با تأکید بر عوامل اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و زیست محیطی" در محله غلام تپه شهرستان آزاد شهر به این مسئله که علت شکل گیری این پدیده مهاجرت، مشکلات اقتصادی و فقدان مدیریت واحد است پی برده‌اند.

مشکینی و همکاران (۱۳۹۰)، در پژوهشی که بر روی باقر شهر - محله بابا جعفری انجام داده، دریافته؛ که پیدایش اسکان غیر رسمی گویای وجود موانع ساختاری و ناکارآمدی سیاست های کنونی در تأمین مسکن و خدمات رسانی لازم مرتبط با آن برای اقشار کم درآمد شهری در سطح کلان است. و در سطح خرد نیز ضعف مدیریت شهری، وجود منابع نامشروع گروه های ذی نفع و ذی نفوذ محلی و برخوردهای غیر قانونمند در پذیرش یا رد این سکونتگاه ها، مساله را تشدید نموده است.

داداشپور و همکاران (۱۳۹۱)، در تحقیقی با موضوع "تحلیل نقش توانمند سازی ساکنان در بهسازی کالبدی - محیطی سکونتگاه های غیر رسمی" در محدوده شرق کال عیدگاه شهر سبزوار به این مهم دست یافتند که بین سطح توانمندی ساکنان و میزان تمایل آنها برای مشارکت در بهسازی کالبدی - محیطی رابطه معناداری وجود دارد.

عبودی و همکاران (۱۳۹۱)، در پژوهشی با عنوان "بررسی راهکار های ساماندهی سکونتگاه های غیر رسمی در ایران" به بررسی این پرداختند که همکاری و همبازی رشته های علمی و سازمانهای دخیل میتواند مسائل و مشکلات موجود را تا حد امکان کاهش دهد.

سرور و روستا (۱۳۹۳)، در کتاب «اصول و مبانی توانمند سازی محلات هدف؛ برنامه های نوسازی و بهسازی شهری» بیان نمودند که: سکونت غیر رسمی بازتاب نابسامانی در ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، مدیریتی و شهرسازی یک کشور می باشد. که نمادهای آن بصورت فرهنگ فقر، اقتصاد غیر رسمی، قانون گریزی، تفکیک های غیر قانونی زمین در حریم شهرها، ساخت و سازهای غیر قانونی و نظایر آن تجلی یافته است.

انصاریان (۱۳۹۳)، در پژوهشی با موضوع ساماندهی اسکان غیر رسمی در محله باغ نجاتی بجنورد به این نتیجه رسید که اسکان غیررسمی در این محله، مشکلاتی همچون بالابودن تراکم در واحد مسکونی، وجود معابر خاکی و نامطلوب، نداشتن سند رسمی و پروانه ساخت شهری، نداشتن امکانات تفریحی و رفاهی، عدم دسترسی ساکنان به آب لوله کشی، دسترسی نداشتن به وسایل نقلیه عمومی و بیکاری و نداشتن تخصص و مهارت اکثر ساکنان را به همراه داشته است.

الصیاد^۱ (۱۹۹۳)، ابعاد فرهنگی را در شکل گیری سکونتگاه های غیر رسمی در خاورمیانه و آمریکای لاتین مطالعه کرده و به این می رسد که فرآیند های متفاوت توسعه های غیر رسمی در مناطق مختلف به زمینه ها و ویژگی های فرهنگی متفاوت آنها برمی گردد که خود بازتاب فرهنگ سیاسی متفاوت آن جوامع است.

برودرو همکاران^۲ (۱۹۹۵)، در پژوهشی که بر روی سکونتگاه های حاشیه‌ای بانکوک، جاکارتا و سانتیاگو انجام دادند. حاکی از آن است که بیشتر ساکنین اینگونه سکونتگاه ها شغل رسمی داشته، حقوق ثابتی دریافت کرده و مطابق قانون کار با آنها برخورد می شود. بر خلاف برداشت های در مورد ماهیت اینگونه سکونتگاه ها که عمدتاً شبه روستایی

1 Alsayyad

2 Browder, J., Bohland, J. and Scarpaci, J.

تلقی می شوند. اغلب ساکنین سکونتگاه های مورد بررسی، جذب اقتصاد شهری منطقه شده و پیوندهای روستایی و فعالیت های کشاورزی در این سکونتگاه ها تقریباً وجود ندارد.

سینها^۱ (۱۹۹۵) در ارزیابی اقدامات بهسازی محلات فقیرنشین جاکارتا که در سال ۱۹۶۹ توسط دولت محلی جاکارتا انجام شده است جنبه کالبدی بودن طرح و عدم توجه به مشکلات اقتصادی و اجتماعی - عدم توجه جامع به مسائل مورد توجه در طرح از جمله تراکم خانوار - کافی نبودن اعتبارات را از دلایل عدم تحقق اهداف طرح دانسته است. ویناینتی و لانگه^۲ (۲۰۰۴) در مقاله ای با عنوان "تدارک خدمات شهری در سکونتگاه های غیر رسمی: مطالعه موردی کامپونگ پناس تانقول در جاکارتا" زندگی مردم زیر فشار تهدید و کمبود ساختارها را بررسی کرده و به این نتیجه رسیده اند که مفهوم و ادراک مثبتی از امنیت تصدی زمین، مهمترین عامل تشویق جامعه برای سرمایه گذاری کردن در چنین سکونتگاه هایی است و معتقدند که سازمان های غیر دولتی مهمترین نقش را در جابجایی منابع و به وجود آوردن اطمینان در سکونتگاه های کشورهای در حال توسعه را دارند.

ریچاردس و همکاران^۳ (۲۰۰۶)، در مقاله ای با عنوان "سنجش کیفیت زندگی در سکونتگاه های غیر رسمی آفریقای جنوبی" به بررسی عوامل مهم و دسترسی به زیر ساخت ها و خدمات شهری در سکونتگاه های غیر رسمی پرداخته و در نهایت میزان رضایت مندی ساکنان را مورد بررسی قرار داده اند.

کیوها^۴ (۲۰۰۷)، در ارزیابی تهیه مسکن برای فقیران شهری کره جنوبی که مجری آن دولت این کشور بود، ارزیابی این طرح را ناموفق بیان کرده و از نکات منفی پس از اجرای این طرح ها، این بود که تنها ۲۰ درصد از ساکنان قبلی در محدوده حضور داشتند و ۸۰ درصد مابقی بخاطر بالا رفتن هزینه اجاره و یا سود ناشی از فروش خانه هایشان به محلات فقیرنشین دیگر نقل مکان کرده بودند.

مبانی نظری

مفهوم اسکان غیررسمی

اسکان غیر رسمی یکی از چهره های بارز فقر شهری است که در درون یا مجاور شهرها (به ویژه شهرهای بزرگ) به شکلی خودرو، فاقد مجوز ساختمان و برنامه ریزی رسمی شهرسازی، با تجمعی از اقشار کم درآمد و سطح نازلی از کمیت و کیفیت زندگی شکل می گیرد. به قول جان ترنر اسکان غیر رسمی، برنامه ریزی مسکن تهیدستان در جوامعی است که برنامه ریزان آن فرصتی برای ارائه طرحی ناظر بر یافتن سر پناه، آن هم برای فقرای شهری ندارند (پیران، ۱۳۸۱: ۸). دیوید هاروی اسکان غیر رسمی را محصول برنامه ریزی شهری مردمی می داند که برای آن ها برنامه ریزی شهری نشده است (شیخی و همکاران، ۱۳۸۸: ۴).

سیاست ها و طرح های اجرا شده در موضع حاشیه نشینی و اسکان غیر رسمی

— سیاست نادیده گرفتن

سیاست نادیده گرفتن، در واقع، تحمل این قبیل مکان ها و رها کردن آن ها در دست نامرئی بازار است، که خود به هر تقدیر چاره ای خواهند اندیشید. البته گاه و بیگاه طرح اسکان تهیدستان و خانه سازی اززان قیمت نیز باید در رسانه های گروهی طنین انداز شود و طرح های محدودی نیز به عمل درآید (پیران، ۳۳:

1 Sinha , Abhijat

2 Winayanti, Lana & C. Lang, Heracles

3 Robin Richards, Brian O'leary and Kingstone Mutsonziwa

4 Kyu Ha

۱۳۶۶). پشتوانه فکری این دیدگاه، نظریات لیبرالی است که عقیده دارد شکل‌گیری این سکونتگاه‌ها مرحله‌ای از توسعه جوامع است که به مرور زمان و با رسیدن جامعه به مرحله‌ای از توسعه، مشکل این سکونتگاه‌ها به خودی خود، حل می‌شود (ایراندوست، ۱۳۸۱: ۱۰۳).

- تخلیه اجباری و حذف

در این سیاست مردم را از خانه و زمین خود برخلاف میل باطنی شان انتقال می‌دهند. سیاست مزبور هرچند بیشتر در دهه ۱۹۵۰ مطرح بود؛ اما در برخی کشورها هنوز دنبال می‌شود. به گونه‌ای که تجربه کلی کشورهای در حال توسعه به خوبی نشان می‌دهد که پاک‌سازی زاغه‌ها راه حل مشکل زاغه‌ها و سکونتگاه‌های غیر رسمی نیست (2: Arimah, 2010).

در حال حاضر، تأمین حق تصرف به مثابه بهترین حمایت و مناسب‌ترین مانع در برابر تخلیه اجباری در سطحی جهانی مورد توجه قرار گرفته است و سیاست تخریب و تخلیه اجباری سکونتگاه‌های غیر رسمی کاملاً مطرود و خلاف حقوق بشر دانسته شده است و در این زمینه سازمان‌های بین‌المللی در سطحی وسیع به ترویج این امر می‌پردازند (سرور و روستا، ۱۳۹۳: ۹۷).

- مسکن عمومی

یکی دیگر از رویکردهای فراگیر چند دهه گذشته تأمین مسکن فقرا در کشورهای در حال توسعه، مسکن عمومی بوده است. در این رویکرد با نگرشی از بالا و با اتکاء به منابع دولتی ساخت و تحویل مسکن کامل به نیازمندان مورد توجه است؛ در واقع این الگو، رویکرد مسلط دهه‌های ۱۹۶۰-۱۹۵۰ در بخش مسکن به شمار می‌آید که با بالاترین سطح مداخله دولت همراه بود. در اتخاذ این سیاست فرض بر این بود که ایجاد مسکن عمومی نهایتاً بی‌نظمی و مشکل سکونتگاه‌های غیر رسمی و محلات فقیرنشین و در کل مشکل مسکن را کاهش خواهد داد (Abbott, 2002: 306). سیاست اداری آن بود که این سکونتگاه‌ها باید خراب شده و واحدهای مسکونی کوچک در حجم انبوه بر طبق طرح‌ها و برنامه‌های شهری ساخته شود. این مدل، در برخی کشورهای صنعتی موفقیت ویژه‌ای داشت. با این حال بدون بررسی دقیق، به کشورهای در حال توسعه انتقال یافت (Emer, 2008, 4).

- خودیاری

خودیاری به طور خلاصه استفاده از نیروی کار، مهارت‌ها، استعداد سازماندهی و توان مدیریت خانوار در ساخت و بهسازی واحد مسکونی خود است؛ در واقع نیروی کار خودیار به مثابه یک سرمایه‌گذاری و پس‌اندازی است که یک امتیاز ارزش اقتصادی و کارکرد اجتماعی را شکل می‌دهد و مسکن را به مثابه بزرگترین سرمایه‌گذاری و پس‌انداز خانواده مطرح می‌سازد؛ علاوه بر این وقتی مسکن ساخته شد یک ارزش اجاره می‌یابد و در عمل اتاق‌هایی به فعالیت بخش غیر رسمی تخصیص داده می‌شود و خانوار از منافع آن بهره‌مند می‌شود (سرور و روستا، ۱۳۹۳: ۱۰۰).

- زمین و خدمات

یکی از خط‌مشی‌ها و در واقع تکنیک‌های تأمین مسکن برآمده از رویکرد خودیاری هدایت شده، الگوی مکان و خدمات بود، که تقریباً در سرتاسر جهان در حال توسعه با اقبال چشم‌گیری مواجه شد. مکان و خدمات به مفهوم آباد کردن زمین جدید و تقسیم به قطعات مسکونی و خدمات رسانی شده است. به گفته آن ترنر این اصطلاح عنوان عامی برای گستره وسیعی از طرح‌هاست و تقریباً به درمان جادویی همه مشکلات تنگدستان تبدیل شده است.

هدف طرح های مکان و خدمات، ارائه قطعات زمین با زیرساخت های اساسی نظیر آب، راه ها و تسهیلات بهداشتی برای گروه های هدف بیان شده است که از طریق خرید یا اجاره به شرط تملیک زمین صورت می گیرد و غالباً همراه با وام با شرایط مناسب است. اما با وجود این، سطح خدمات ارائه شده بسیار متفاوت است، در پاره ای از موارد برای هر واحد مسکونی شیر آب در نظر گرفته می شود در حالی که برخی تنها به نصب شیرهای عمومی برای هر چند خانوار بسنده می شود (سرور و روستا، ۱۰۴: ۱۳۹۳-۱۰۳).

– بهسازی

سیاست های کالبد محور که در قالب برنامه های بهسازی فیزیکی این مناطق نمود پیدا کرد، عمدتاً در دهه ۷۰ میلادی، محوریت مداخله در بافت های نابسامان شهری را تشکیل می داد. ارتقاء محیط فیزیکی، بهداشت محلات، ارائه خدمات پایه و در مجموع بهسازی محیط فیزیکی در دستور کار این دیدگاه قرار داشت. نمونه این سیاست را در اکثر کشورهای توسعه نیافته و از جمله ایران در دهه های گذشته می توان مشاهده نمود (رفعیان و سیف الدینی، ۲۱: ۱۳۸۴).

– توانمند سازی

راهبرد توانمند سازی یا آنچه که اخیراً در دستور کار محافل جهانی قرار گرفته تحت عنوان توسعه توانمندی ها، بر بسیج تمامی امکانات بالقوه و منابع و تمامی عوامل برای ایجاد مسکن و بهبود شرایط زندگی جوامع فقیر تأکید دارد و به مردم این فرصت را می دهد که شرایط خانه و محل زندگی خود را با توجه به اولویت ها و نیازهایشان بهبود بخشند. ارتقاء بخشی همراه با توانمند سازی اجتماعات محلی رهیافتی نوین برای حل مسأله فقر شهری است که دیگر مهندسی ساختمان و تنها تزریق منابع مالی را راه گشا نمی داند، بلکه مهندسی اجتماعی با حمایت و تسهیل بخش عمومی و سازمان های غیر دولتی و محلی و مشارکت فعال مورد نظر است (هادیزاده بزاز، ۳۸: ۱۳۸۲). بهسازی و توانمند سازی به معنای سر ریز کردن اعتبارات و یارانه ها به این اجتماعات و شیوه گدا پروری نیست، بلکه قرار دادن آنان در جریان توسعه است. در این رویکرد حق حضور در شهر به رسمیت شناخته می شود، موانع قانونی توانمند سازی برچیده می شود و ساکنان به عنوان بهترین برنامه ریزان در کانون توجه قرار می گیرند (ایراندوست، ۱۳۸۴: ۲۷).

به زبان ساده، راهبرد توانمند سازی (به مصداق آموزش ماهیگیری و حتی تور بافی به جای ماهی دادن به تهیدستان) در پی ظرفیت سازی در اجتماعات برای حل مشکل آن ها با اندیشه و بازوی خود آن هاست. برای دست یابی به چنین مرحله ای، نیاز به شیوه ی اداری و حکمرانی شهری نوینی است که بر پایه ی قانون مداری، شفافیت پاسخگویی و برقراری ساز و کارهای مردم سالارانه، بدبینی تاریخی اجتماعات تهیدست نسبت به حکومت را بزدايد و آن ها را با تمام سرمایه های انسانی، اجتماعی و مالی شان به مشارکت بطلبد. در این راهبرد، قبل از آنکه راه حل های مهندسی طرح شود، فرآیندهای اجتماعی برای فعال کردن اجتماعات محلی طراحی می شود و هرگز مردم را بصورت منفعلانه در برابر طرح ها قرار نمی دهد و آن ها را خمیرهای نرمی برای قالب های آهنین طرح ها نمی داند. بدین ترتیب، راهکارهای برآمده از این راهبرد، در پی تشکیل سرمایه های انسانی و اجتماعی این اجتماعات یا اقدامات جمعی و بهبود زیستی آن هاست. در این بین نقش تسهیل کنندگی و حمایتی برای بخش دولتی قابل توجه می باشد (صرافی، ۱۳۸۲: ۲۷).

— دیدگاه‌های مختلف توانمندسازی

توانمندسازی در بستر چند دیدگاه اصلی شکل گرفته و تکوین یافته است که در ادامه بصورت مختصر توضیح داده می‌شوند:

الف) دیدگاه عقلایی قائل به تسهیم قدرت با زیر دستان (قدرت به معنای اختیار سازمانی و نه قدرت شخصی)، تفویض اختیار، عدم تمرکز در تصمیم‌گیری، تأکید بر مدیریت مشارکتی، چرخه‌های کیفیت، تیم‌های خودگردان و هدف‌گذاری دو طرفه به شرط تمایل پیرو در مشارکت و قبول مسئولیت است.

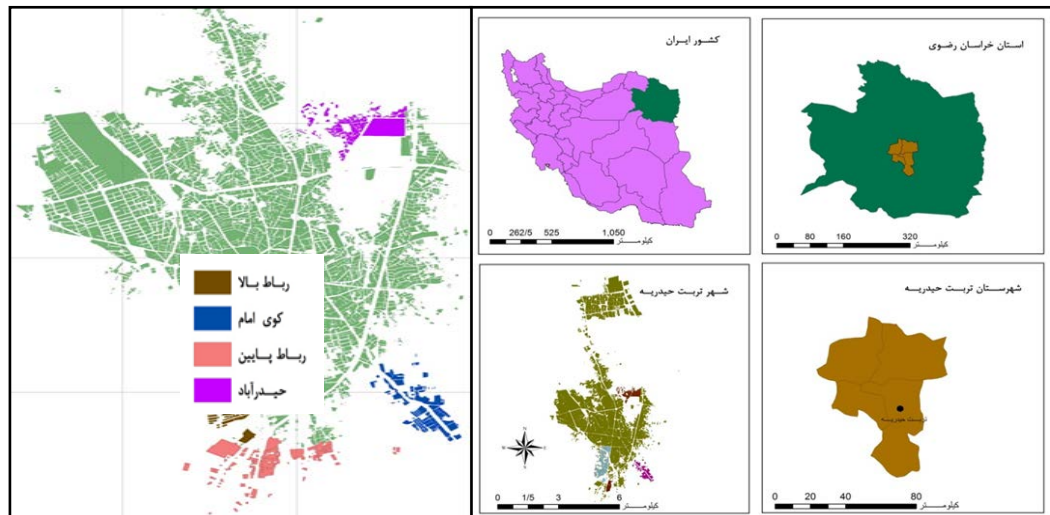
ب) دیدگاه انگیزشی نیاز به کسب قدرت را که حالتی درونی برای کسب نفوذ و کنترل بر سایر افراد است مبنای توانمندسازی می‌داند.

ج) دیدگاه فوق‌انگیزشی با طرح ایجاد انگیزه درونی کار توسط آماده‌سازی محیط و ایجاد مجرای انتقال برای احساس خود اثر بخشی و انرژی بیشتر، دیدگاهی نظری تر را برای توانمندسازی بیان می‌دارد.

د) دیدگاه سیستمی (الگوی سه بعدی توانمندسازی) با توجه به اینکه هر یک از این سه دیدگاه دارای نقاط قوت و ضعف است، دیدگاه سیستمی در پی این مقصود است که با نگاهی جامع به عناصر مطرح شده در سه دیدگاه قبلی و با تأکید بر دیدگاه فوق‌انگیزشی مدلی جامع تر ارائه کند. ابزار تحلیلی سه بعدی ساختاری، رفتاری و زمینه‌ای ریشه در دیدگاه سیستمی دارد (سرور و روستا، ۱۳۹۳: ۱۳۵). و پژوهش حاضر با توجه به دیدگاه سیستمی به موضوع ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی تربت حیدریه پرداخته و با انجام یک پرسشنامه محقق ساخته، بر آن است تا میزان رضایت ساکنان اینگونه بافتها را دریافته و عوامل مؤثر بر توانمندسازی را دریابد.

معرفی عرصه پژوهش

شهر تربت حیدریه مرکز شهرستان تربت حیدریه، که از شمال به شهرستان‌های نیشابور، مشهد، از سمت شرق با شهرستان‌های فریمان و زاوله، از سمت جنوب با شهرستان‌های رشتخوار و مه ولات و از سمت غرب با شهرستان کاشمر هم مرز می‌باشد. این شهر ۵۳ کیلومتر مربع وسعت دارد و ارتفاع آن از سطح دریا ۱۳۳۳ متر است. جمعیت شهر تربت حیدریه بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰ معادل ۱۳۱۱۵۰ نفر بوده است. که از این تعداد ۱۰۵۰۰ نفرشان در قالب ۴ پهنه سکونتگاه‌های غیر رسمی زندگی می‌کنند. محله رباط بالا، رباط پایین، حیدر آباد و کوی امام؛ که به ترتیب ۶۳ و ۵،۴ و ۹،۸ و ۲۱،۸ درصد از کل جمعیت سکونتگاه‌های غیر رسمی را به خود اختصاص داده‌اند.



شکل ۱: نقشه موقعیت شهر تربت حیدریه در استان خراسان رضوی و کشور (نگارنده، ۱۳۹۶)

جدول ۲: مشخصات جمعیت و مسکن محله های سکونتگاههای غیررسمی شهر تربت حیدریه، ۱۳۹۰

نام محله	خانوار	جمعیت	درصد پاسوادی
رباط بالا	۱۸۹۲	۶۶۱۵	۸۵,۶
رباط پایین	۱۷۹	۵۸۱	۷۵,۷
کوی امام	۲۶۰	۱۰۲۴	۷۳,۹
حیدر آباد	۶۲۶	۲۲۸۰	۸۴,۴
مجموع	۲۹۵۷	۱۰۵۰۰	۷۹,۹

مأخذ: مرکز آمار ایران (۱۳۹۰) و محاسبات نگارنده

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر؛ از حیث نوع کاربردی - توسعه ای، از حیث ماهیت توصیفی - تحلیلی و از حیث روش پیمایشی (پرسشنامه) است. جامعه آماری در این پژوهش شامل مناطق رباط بالا، رباط پایین، کوی امام و حیدرآباد است. که براساس سرشماری سال ۱۳۹۰، ۱۰۵۰۰ نفر می باشند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰). حجم نمونه طبق فرمول کوکران ۳۸۴ نفر به دست آمده است. که جهت محاسبات آماری دقیق تر به ۴۰۰ پرسشنامه ارتقاء می یابد. روش نمونه گیری، به شیوه خوشه ای چند مرحله ای انجام شده است. بدین صورت که در مرحله اول شهر تربت حیدریه به عنوان یک خوشه کلی در نظر گرفته شد و سپس در مرحله بعدی محله های رباط بالا، رباط پایین، حیدر آباد و کوی امام هر کدام به عنوان یک خوشه انتخاب شدند و بلوک های درون محله ها به عنوان زیر شاخه به حساب آمدند، سپس با توجه به تعداد نمونه اختصاص یافته به هر محله؛ چند بلوک به تصادف انتخاب شد و در درون بلوک چند قطعه به تصادف انتخاب شده و از هر قطعه به روش تصادفی سیستماتیک چند خانوار مورد مصاحبه قرار گرفتند. البته باید دانست که به اقتضای کار تحقیقی و رشته تحصیلی (جغرافیا) در جهت توزیع متناسب و متعادل پرسشنامه ها و تحت پوشش قرار گرفتن کل محله ها سعی شد اکثریت بلوک ها درون محله ها در این جریان سهم باشند. مقدار آلفا برای کل شاخص ها برابر با ۰/۷۴ نشان می دهد که مقیاس مورد نظر از پایایی مناسبی برخوردار است.

در این پژوهش ۳۴ گویه در قالب ۴ شاخص: شاخص توانمند سازی، واگذاری اختیارات و مشارکت، امنیت، بهبود شاخص های اجتماعی و اقتصادی مورد استفاده قرار گرفته است.

جدول ۱: جامعه آماری و تعداد نمونه

نام محله	جمعیت	تعداد نمونه	درصد
رباط بالا	۶۶۱۵	۲۵۲	۶۳
رباط پایین	۵۸۱	۲۲	۵,۵
کوی امام	۱۰۲۴	۳۹	۹,۸
حیدر آباد	۲۲۸۰	۸۷	۲۱,۷
مجموع	۱۰۵۰۰	۴۰۰	۱۰۰

مأخذ: مرکز آمار ایران (۱۳۹۰) و محاسبات نگارنده

یافته های پژوهش

یافته های توصیفی

در زمینه اجتماعی و جمعیتی نرخ باسوادی ۷۹,۹ درصد بوده و گروه سنی ۳۰-۳۹ بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده است که این خود نشان دهنده ی وجود افراد زیادی در سن کار می باشند که باید در وضع موجود برای اشتغال اینها برنامه ریزی شود و گروه سنی زیر ۲۰ سال با کمترین فراوانی برنامه ریزی های شغلی آینده و تحصیل را می طلبد. ۷۹,۳ درصد خانوارها زیر ۷۰۰ هزار تومان درآمد ماهیانه دارند. ۱۱,۲ درصد از بافتهای مسکونی این محله ها قدمتی بیش از ۳۵ سال دارند و همواره حل معضل این بافتها باید در اولویت کاری برنامه ریزان و مدیران شهری قرار داد. درصد مسکن بادوام در سکونتگاه های غیر رسمی شهر تربت حیدریه ۴۶,۶ درصد بوده و سایر مسکن در رده کم دوام و بی دوام بشمار می روند. ۳۰,۷ درصد مسکن دارای اسکلت فلزی و ۶,۳ درصد بتون آرمه و ۶۳ درصد مسکن در رده سایر می باشند.

بطور کلی زیر بناهای کمتر از ۱۰۰ متر مربع ۵۳,۸ درصد و بالاتر از ۱۰۰ متر مربع ۴۶,۲ درصد از واحدهای مسکونی سکونتگاه های غیر رسمی شهر تربت حیدریه را به خود اختصاص داده اند. این ارقام نشان می دهد که هنوز درصد زیادی از خانوارهای این محله ها دارای کفایت مسکن نبوده اند و از تنگ مسکنی رنج می برند.

از نظر مالکیت ۵۳ درصد واحدهای مسکونی دارای سند شش دانگ است که بیانگر وضعیت مطلوب این محلات از نظر وضعیت حقوقی است و ۴۷ درصد به صورت قولنامه ای می باشد.

یافته های استنباطی

فرضیه اول:

- به نظر می رسد واگذاری اختیارات و مشارکت شهروندان در سکونتگاه های غیر رسمی می تواند موجبات توانمند سازی آنها را فراهم کند.

جدول ۳. نتایج آزمون همبستگی بین متغیرهای وابسته و مستقل

متغیر مستقل	متغیر وابسته	تعداد	ضریب همبستگی	سطح معنی داری
واگذاری اختیارات و مشارکت شهروندان	توانمند سازی	۴۰۰	*,۷۰۵**	۰,۰۰۰

۰,۰۰۰	**۰,۴۰۲	۴۰۰	توانمند سازی	امنیت سکونت
۰,۰۰۰	**۰,۷۹۸	۴۰۰	توانمند سازی	شاخص های اجتماعی و اقتصادی

*همبستگی خیلی ضعیف (۰-۱/۱۰۰)، همبستگی ضعیف (۱/۱۰۰-۱/۳۵۰)، همبستگی متوسط (۱/۳۵۰-۱/۶۵۰)، همبستگی نسبتاً قوی (۱/۶۵۰-۱/۸۵۰) و همبستگی قوی (۱/۸۵۰-۱).

برای اثبات این فرضیه از آزمون معنی داری پیرسون استفاده شده است، نتایج بدست آمده با توجه به جدول فوق بیانگر این است که بین واگذاری اختیارات و مشارکت شهروندان و توانمند سازی همبستگی معنی داری وجود دارد، چرا که سطح معنی داری بدست آمده ۰,۰۰۰ می باشد و از آنجایی که سطح معنی داری پایین تر از ۰,۰۵ است، نتیجه کلی این است که بین دو متغیر همبستگی وجود دارد. یعنی هر چه اختیارات و مشارکت شهروندان در سکونتگاه های غیر رسمی بیشتر شود موجبات توانمندسازی آنها را فراهم می کند.

فرضیه دوم:

- به نظر می رسد بین امنیت سکونت و بکارگیری رویکرد توانمند سازی رابطه معناداری وجود دارد. براساس جدول فوق که آزمون پیرسون بین دو متغیر امنیت سکونت و رویکرد توانمند سازی انجام شده است، سطح معناداری بین این دو مؤلفه ۰,۰۰۰ می باشد و از آنجایی که سطح معناداری پایین تر از ۰,۰۵ است بیانگر رابطه معنادار بین این دو مؤلفه است و همچنین ضریب همبستگی بین آنها نیز (۰,۴۰۲) می باشد.

فرضیه سوم:

- به نظر می رسد بین بهبود شاخص های اجتماعی و اقتصادی و بکارگیری رویکرد توانمند سازی رابطه معنی داری وجود دارد.

با توجه به اینکه سطح معناداری پایین تر از ۰,۰۵ است بیانگر رابطه معنادار بین این دو مؤلفه است و همچنین ضریب همبستگی بین آنها نیز بالا (۰,۷۹۸) می باشد.

تحلیل رگرسیونی عوامل توانمند سازی سکونتگاه های غیر رسمی

در این بخش به منظور پیش بینی شاخص های تأثیرگذار در توانمند سازی سکونتگاه های غیر رسمی ابتدا جهت اطمینان از همبستگی بین شاخص ها، ضریب همبستگی بین متغیرها را بدست آورده و در مرحله بعد به پردازش رگرسیونی عوامل تبیین کننده شاخص های توانمند سازی سکونتگاه های غیر رسمی پرداخته می شود. در مرحله دوم به منظور پیش بینی شاخص های تأثیرگذار توانمند سازی سکونتگاه های غیر رسمی از تحلیل رگرسیون^۱ چند متغیره استفاده می شود. جهت مشخص شدن سهم تأثیر هر کدام از متغیرهای مستقل (شاخص های واگذاری اختیارات و مشارکت - امنیت و بهبود شاخص های اجتماعی و اقتصادی) بر متغیر وابسته (توانمند سازی) از این روش بهره گیری شده است.

با استفاده از مدل رگرسیونی چندگانه توأم^۲ عوامل و شاخص های تأثیرگذار در توانمندسازی سکونتگاه‌های غیر رسمی شهر تربت حیدریه مشخص گردید. نتایج حاصله حکایت از آن دارد که شاخص های سه گانه وارد شده به مدل به میزان ۹۶ درصد از تغییرات متغیر وابسته (توانمند سازی) را تبیین می کنند.

1 . Analysis Regression

2 .Enter/

جدول ۴. آماره های تحلیل رگرسیون چند متغیره شاخص های توانمند سازی سکونتگاه های غیر رسمی

انحراف معیار از برآورد	ضریب تبیین تصحیح شده	ضریب تبیین	ضریب همبستگی چند گانه
۱,۵۱	۰,۹۶۱	۰,۹۶۱	۰,۹۸۰

مأخذ: یافته های تحقیق، ۱۳۹۶

جدول ۵: آماره های ضرایب مدل رگرسیون شاخص های توانمند سازی سکونتگاه های غیر رسمی

نام متغیر	ضرایب غیر استاندارد		T	سطح معناداری
	B	Bخطای		
مقدار ثابت	۰,۸۷۷-	۰,۵۸۸	-۱,۴۹	۰,۱۳۶
شاخص واگذاری اختیارات و مشارکت	۱,۰۶۹	۰,۰۲۳	۴۶,۸۸	۰,۰۰۰
شاخص امنیت	۰,۷۸۲	۰,۰۳۹	۲۰,۱۷	۰,۰۰۰
شاخص های اجتماعی و اقتصادی	۰,۸۶۷	۰,۰۱۳	۶۴,۷۱	۰,۰۰۰

مأخذ: یافته های تحقیق، ۱۳۹۶

بنابراین در پاسخ به سؤال تحقیق (کدام عوامل بیشترین تأثیر را در توانمندسازی سکونتگاه های غیر رسمی شهر تربت حیدریه خواهد داشت؟)

مقادیر Beta در جدول ۵، نشان می دهد که بهبود شاخص های اجتماعی و اقتصادی بیشترین تأثیر را در توانمند سازی سکونتگاه های غیر رسمی دارد و بعد از این شاخص واگذاری اختیارات و مشارکت و امنیت در اولویت دوم و سوم، تأثیرات فزاینده ای را بر توانمند سازی سکونتگاه های غیر رسمی شهر تربت حیدریه خواهند داشت. بطوری که به ازای یک واحد تغییر در بهبود شاخصهای اجتماعی و اقتصادی ۰,۶۶۲ واحد تغییر در شاخص توانمند سازی سکونتگاه های غیر رسمی ایجاد خواهد شد. در مرتبه بعدی به ازای یک واحد تغییر در بخش شاخص واگذاری اختیارات و مشارکت ۰,۴۹۵ واحد تغییر در شاخص توانمند سازی بوجود خواهد آمد.

نتیجه گیری

– در بین شاخص واگذاری اختیارات و مشارکت همه گویه ها میانگینی در حد متوسط و بالاتر از حد متوسط دارند و می توان گفت این سکونتگاه ها از وضعیت مطلوبی برخوردارند و این خود نقطه مثبتی که در صورت واگذاری صحیح اختیارات و همچنین مشارکت به ساکنین می توان به توانمند سازی سکونتگاه های غیر رسمی دست پیدا کرد.
– در بین گویه های بهبود شاخص های اجتماعی و اقتصادی اکثر گویه ها میانگینی بالاتر از حد متوسط را نشان می دهند که این خود بیانگر توانمندی بالای این ساکنین از نظر اجتماعی و اقتصادی می باشد.
– تحلیل رگرسیون عوامل توانمند سازی سکونتگاه های غیر رسمی نشان می دهد که بهبود شاخص های اجتماعی و اقتصادی بیشترین تأثیر و در اولویت های بعدی به ترتیب شاخص واگذاری اختیارات و مشارکت و شاخص امنیت در دستیابی به توانمند سازی سکونتگاه های غیر رسمی مؤثر خواهند بود.

سکونتگاه‌های غیررسمی شهر تربت حیدریه دارای بافت روستایی بوده و اراضی کشاورزی مناسب که در این محله ها وجود داشته زمینه ای برای گسترش و ایجاد سکونتگاه‌های غیر رسمی بوده است و از جمله علل شکل گیری این محله ها را مهاجرت از روستا به شهر و نداشتن شغل مناسب و دست یابی به درآمد بیشتر و ... می توان دانست که با رونق فعالیت های کشاورزی، صنایع دستی و دامداری و توانمند سازی روستاها از مهاجرت روستاییان به شهرها که بیشتر در حاشیه شهر ساکن می شوند می توان جلوگیری کرد و با برنامه ریزی های اصولی، حمایت های زیربنایی و عادلانه دولتی و توجه به پتانسیل بالقوه مشارکت مردمی ساکنان اسکانهای غیر رسمی می توان این سکونتگاه ها را ساماندهی کرد.

پیشنهادات

- ایجاد سازمان مستقل و دارای جایگاه قانونی و دارای قدرت لازم جهت رسیدگی به بافت غیررسمی که به طور ویژه و تخصصی به بررسی و حل مشکلات این مناطق بپردازد و طبیعتاً به مدیران و متخصصان این زمینه تجهیز شده باشد.
- ایجاد امنیت تصرف برای ساکنین جهت جلب اعتماد آنها برای حضور و مشارکت فعال در برنامه‌های توانمندسازی، زیرا دلیل بسیاری از عدم مشارکت های ساکنین ناشی تصرف غیررسمی مسکن یا زمین در بین آنهاست که ترس از دست دادن املاک مانع اعتماد و ارتباط آنها با شهرداری و سایر سازمان‌های شهری می‌شود. بنابراین اندیشیدن تدبیری جهت رفع این مسأله می‌تواند به بهبود روند مشارکت ساکنین و در نتیجه موفقیت طرح‌های توانمندسازی کمک شایانی کند.
- به کار بردن سازوکارهایی جهت جلب مشارکت ساکنین اسکان غیررسمی، سازوکارهای تشویقی، تسهیلگری در راستای بهبود مشکلات محله
- تدوین ضوابط و مقررات شهری و ساختمانی متناسب با کم درآمدها برای ساخت خانه های با کیفیت تا در برابر سوانح از ایمنی بیشتری برخوردار باشند.
- برپایی کارگاه های آموزشی برای ایجاد مشاغل و ایجاد شرایطی برای معافیت های مالی با توجه به این که تعداد زیادی از جمعیت کارگر فصلی و بیکار هستند.

منابع

- ۱- رفیعیان، مجتبی؛ سیف الدینی، فرانک (۱۳۸۴). راهبردهای ساماندهی اسکانهای غیر رسمی شهری و برنامه مداخله در شهر بندر عباس). مجله بین‌المللی علوم مهندسی، ۱۹-۵۸.
- ۲- ریاحی، کتایون (۱۳۸۴). پدیده حاشیه نشینی تهران را به کجا می برد. نشریه اعتماد.
- ۳- صرافی، مظفر (۱۳۸۳). مساله ای به نام اسکان غیر رسمی؛ راه حلی به نام توانمند سازی). ماهنامه شهرداری ها، (۶۶)، ۳۳-۳۵.
- ۴- مرکز آمار ایران. سرشماری عمومی نفوس و مسکن. ۱۳۹۰
- ۵- مشکینی، ابوالفضل؛ سجادی، ژیلا؛ دین دوست، جواد؛ تفکری، اکرم (۱۳۹۰). (ساماندهی سکونتگاه های غیر رسمی با شیوه توانمند سازی (نمونه موردی باقر شهر - محله باباجعفری). فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، (۳).
- ۶- ابراهیمی، سیدمحمد؛ مسگریان، علی (۱۳۸۷). (آسیب شناسی اقتصادی نقاط حاشیه نشین و ارتباط آن با جرائم در مناطق اقبالیه پوبیندر و خیرآباد قزوین). مجله اصلاح و مدیریت، (۷۸).
- ۷- انصاریان، طیبه (۱۳۹۳). (ساماندهی اسکان غیر رسمی در محله باغ نجاتی بجنورد). پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه محقق اردبیلی.
- ۸- ایراندوست، کیومرث (۱۳۸۴). (تردید در یک ضرورت ساماندهی سکونتگاه های غیر رسمی). نشریه سرمایه.
- ۹- پور موسوی، موسی؛ معصومی، سلمان (۱۳۸۹). (ساماندهی و توانمندسازی محله های آسیب پذیر با تاکید بر نقش مدیریت شهری). ماهنامه شهرداری ها، (۹۹).
- ۱۰- پیران، پرویز (۱۳۶۶). (آلونک نشینی در تهران (شهرنشینی شتابان و ناهمگون). نشریه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، (۶)، ۴۶-۴۷.
- ۱۱- پیران، پرویز (۱۳۸۱). (بازهم در باب اسکان غیر رسمی (نمونه موردی: شیرآباد زاهدان). نشریه هفت شهر، ۱، (۹) و (۱۰)، ۷-۲۴.
- ۱۲- زیاری، کرامت اله؛ نوذری، آذردخت. (۱۳۸۸). (ساماندهی و توانمند سازی اسکان غیر رسمی شهر اهواز (کوی منبع آب). پژوهش های جغرافیای انسانی، (۶۸)، ۲۱-۳۶.
- ۱۳- سرور، رحیم؛ روستا، مجید (۱۳۹۳). اصول و مبانی توانمندسازی محلات هدف برنامه های نوسازی و بهسازی شهری (سکونتگاه های غیر رسمی و بافت های فرسوده). ری: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.
- ۱۴- شریفی نیا، زهرا؛ نورا، محمدرضا؛ سندگل، مهدی (۱۳۹۰). (توانمند سازی و ساماندهی سکونتگاه های غیر رسمی با تاکید بر عوامل اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و زیست محیطی). فصلنامه جغرافیایی سرزمین (۳۰).
- ۱۵- شیخی، محمد؛ جباری، حبیب؛ حسن زاده، داوود (۱۳۸۸). (بررسی ویژگی ها و اولویت های محلی سکونتگاه های غیر رسمی موثر بر فرایند توانمند سازی). مجموعه مقالات همایش سکونتگاه های غیر رسمی: چالش ها و راهبردها.
- ۱۶- صرافی، مظفر (۱۳۸۲). بازنگری ویژگی های اسکان خود انگیخته در ایران در جستجوی راهکارهای توانمند سازی، مجموعه مقالات سمینار حاشیه نشینی و اسکان غیر رسمی، ۱-۱۴.
- ۱۷- عبودی، ادریس؛ محمدی، معصومه؛ بابامیری، رنگین؛ محمدی، چیمین؛ حاجی باپیر، گلچین (۱۳۹۱). (بررسی راهکار های ساماندهی سکونتگاه های غیر رسمی در ایران). اولین همایش منطقه ای معماری و شهرسازی.
- ۱۸- ماجدی، حمید؛ لطفی، کورش (۱۳۸۶). (سکونتگاه های غیر رسمی شهری در کلان شهر اهواز). (۱).

- ۱۹_ وزارت مسکن و شهرسازی (۱۳۸۲). *سند ملی توانمندسازی و ساماندهی سکونتگاه‌های غیر رسمی*. مصوب هیأت وزیران، انتشارات سازمان عمران و بهسازی شهری، دبیرخانه ملی ستاد ملی توانمند سازی.
- ۲۰_ هادی‌زاده بزاز، مریم (۱۳۸۲). حاشیه نشینی و راهکارهای ساماندهی آن در جهان. مشهد: انتشارات شهرداری مشهد.

- 21_ Abott, John, (2002). analysis of informal settlement upgrading and critique of existing methodological approaches, Habitat International, number 26 303-315.
- 22_ Alsayyad, N. (1993): "squatting and culture; A Comparative Analysis of Informal Development in Latin
- 23_ Arimah, Ben C (2010), The Face of Urban Poverty, Explaining the Prevalence of Slums in Developing Countries, UNU-WIDER, March 2010.
- 24_ Emer, Dick. (2008) "what are enabling housing strategies?" a paper from Seminar in Barcelona in April 2008. seminar: Are architects and planners obstacles to slum upgrading ?
- 25_ Ha, s-k (2007), Housing Regeneration and Building Sustainable low-income communities in Korea, Habitat International, 31, pp 116-129.
- 26_ Robin Richards, Brian O'leary and Kingstone Mutsonziwa (2006), Measuring Quality of Life in Informal Settlements in South Africa, Social Indicators Research, Vol. 81, pp. 375-388.
- 27_ Sinha, Abhijat (1995), Community development for effective slum upgrading; case study : Indore Habitat Project, Indore, India, School of Architecture McGill University, Montreal, March.
- 28- Wegelin, E. A. (2004), "Informal Settlements and Their Upgrading: Building on the Lessons of Three.
- 29_ Winayanti, Lana & C. Lang, Heracles (2004) , "Provision of Urban Services in an Informal Settlement: a Case Study of Kampung Penas Tanggul, Jakarta", Habitat International, Vol. 28, PP: 41-65.
- 30_ www.thcity.ir